

## خدای حاضر و ناظر

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مهدی شجریان\*

### مقدمه

شناخت اوصاف الهی، یکی از مهم‌ترین مباحث علمی و اعتقادی در دانش کلام است. افزون بر ثمره علمی این نوع شناخت، اثر عملی آن در زندگی بشر نیز قابل تردید نیست. مشهور است زلیخا هنگامی که یوسف را به عمل منافی عفت فراخواند، بتی در اتاق داشت که روی آن پارچه‌ای انداخت تا متوجه عمل شنیع او نشود؛ پیداست که اگر خدا در حد بتی سنگی و بی‌جان و محدود به زمان و مکان شناخته شود یا موجودی غایب از جهان مادی انگاشته شود، خوف و رجا در برابر او و وفا و حیا در ارتباط با او معنا ندارد؛ به همین دلیل امروزه نیز بسیاری از خداپاوران با همین شناخت‌های ناقص، اثری از اعتقاد به خدا در رفتارهای عملی خود نمایان نمی‌کنند.

ادعیه مأثور اسلامی، به‌وفور به این وصف الهی توجه کرده‌اند. در دعای «جوشن کبیر» یکی از اسمای الهی، «حاضر» نامیده شده است: «یا خَالِقُ یا رَاصِدُ یا وَاحِدُ یا حَاضِرٌ».<sup>۱</sup> در دعای بعد از نمازی منسوب به امام صادق علیه السلام، خداوند متعال این‌گونه خطاب قرار می‌گیرد: «یا حَاضِرَ کُلِّ مَلَأٍ یا شَاهِدَ کُلِّ نَجْوَى، یا عَالِمَ کُلِّ حَفِیَّةٍ، یا شَاهِدًا غَیْرَ غَائِبٍ»<sup>۲</sup> ای حاضر در هر جماعت، ای شاهد در هر راز پوشیده، این عالم هر امر مخفی، ای شاهدی که غایب نیستی». خدای متعال در ادعیه اسلامی «یا حَاضِرَ کُلِّ غَیْبٍ وَ عَالِمَ کُلِّ سِرٍّ»<sup>۳</sup> حاضر در هر امر غیبی و عالم هر امر سری» خوانده شده است و در دعای «مجیر» به وصف حضور به او پناه برده می‌شود:

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد بن حسن طوسی، مصباح‌المتجهج، ج ۲، ص ۸۱۰.

۲. محمد بن جعفر ابن‌مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۷۶.

۳. علی بن موسی ابن‌طاووس، مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۴۷.

«سُبْحَانَكَ يَا فَاطِرُ تَعَالَيْتَ يَا حَاضِرُ أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ»<sup>۱</sup>.

کی رفته‌ای زدل که تمنا کنم تورا      کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تورا  
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور      پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تورا  
با صد هزار جلوه برون آمدی که من      با صد هزار دیده تماشا کنم تورا...<sup>۲</sup>

به‌هرحال یقینی است که خداوند متعال، خدایی حاضر در همه‌جاست و هیچ ذره‌ای در عالم هستی از وجود بی‌کران او غایب نیست. شناخت او با این وصف در مسیر بندگی و اخلاقی زیستن آدمی تأثیرات فراوانی دارد؛ به همین دلیل این نوشتار می‌کوشد ابتدا این وصف الهی را تبیین کند و پس از آن آثار و پیامدهای باور به آن در منش و زندگی افراد را تشریح می‌کند.

### ۱. معنای حضور خدا

حضور نقطه‌مقابل غیبت است. حضور خداوند متعال به این معناست که او در همه‌جا حاضر و شاهد و ناظر مخلوقات و اعمال آنهاست؛ به عبارت دیگر، عالم هستی محضر اوست و چیزی از او غایب نیست. به طور کلی می‌توان این حضور الهی را در دو سطح معنا کرد که هر کدام از آنها نیز در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۱-۱. حضور وجودی

ذره‌ای در جهان هستی وجود ندارد که از مرتبه وجودی نامحدود و بی‌کران خداوند متعال غایب باشد. بر اساس مبانی حکمت متعالیه، جهان هستی از آن‌رو که معلول خداوند متعال است و در هیچ شأنی از شئون وجودی خود استقلالی از آن ذات بی‌کران ندارد، بیرون از وجود نامحدود او نیست. خداوند متعال نیز از آن‌رو که موجودی نامحدود است، برتر از تمام مراتب محدود وجودی است و بر همه آنها «احاطه قیومی» دارد و هر مخلوقی از مخلوقات او که در حقیقت چیزی جز موجودی محدود نیست، در مرتبه وجود نامحدود او غیبت نخواهد داشت. آری «چون که صد آمد، نود هم پیش ماست». امام خمینی علیه السلام در این باره می‌نویسد:

حضور قاطبه موجودات در بارگاه قدس او حضور تعلقی است، و احاطه آن ذات مقدس به ذرات کائنات و سلاسل موجودات احاطه قیومی است، و آن از غیر سنخ

۱. ابراهیم بن علی کفعمی، البلد الامین، ص ۳۶۴.

۲. فروغی بسطامی، دیوان اشعار، غزلیات، غزل شماره ۹.

حضور حسی و معنوی و احاطه ظاهری و باطنی است.<sup>۱</sup>

بی‌شک شرح و تفصیل این مفاهیم فلسفی در این مجال نمی‌گنجد؛<sup>۲</sup> اما شاید بتوان تا حدودی این نکته فلسفی را با توجه به یک مثال تبیین کرد. حضور خداوند متعال در تمام جهان هستی، نظیر حضور نفس و روح آدمی در تمام قوا و افعال نفس است. نسبت بین خدا و مخلوقاتش چیزی شبیه نسبت میان نفس و اراده است. اراده ما همان نفس ما یا جزئی از اجزاء یا بخشی از آن نیست؛ اما با این وجود قوام این اراده به نفس است و تمام شئون آن وابسته و معلق به نفس است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان شأنی از شئون اراده را بیرون از دایره وجودی نفس و مستقل از آن شمرد و به همین دلیل می‌توان از حضور نفس در تمام مراتب اراده سخن گفت و تأکید کرد که اراده هیچ غیبتی از مرتبه وجودی نفس ندارد.

به‌هرحال خدای متعال از جهان خلقت جدا نیست، بلکه «با» جهان و همراه جهان است و به تعبیر قرآن کریم: «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»<sup>۳</sup> او با شماست هرکجا که باشید و خداوند به آنچه عمل می‌کنید آگاه است». بسیاری از مفسرین این آیه را به معنای حضور وجودی خداوند متعال با مخلوقات خویش تفسیر کرده‌اند.<sup>۴</sup> از منظر قرآن کریم خداوند متعال همه‌جا هست و حتی در همه گفتگوها و سخنان سرّی حاضر است و هیچ سخن محرمانه‌ای نیست مگر اینکه خدای متعال در آن مشارکت دارد و با همه گویندگان این سخنان، هر جا که باشند همراه است: «مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا».<sup>۵</sup> احاطه او بر همه ذرات عالم به گونه‌ای است که هم اول است و هم آخر و هم ظاهر است و هم باطن؛ یعنی نه غیبت از اول و آخر (زمانی و غیرزمانی) دارد، نه فقدانی در امور پیدا و پنهان عالم؛ به تعبیر قرآن: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ»،<sup>۶</sup> بلکه در همه ذرات عالم حضور قیومی و احاطی او سایه افکننده است.

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۲۸۸ - ۲۸۹.

۲. نگارنده در این باره در مجال دیگری با تفصیل سخن گفته است (ر.ک: مهدی شجریان، اصول و مبانی عدالت جنسیتی در حکمت متعالیه ص ۱۵۰ - ۱۵۴).

۳. حدید: ۴.

۴. سیدروح‌الله موسوی خمینی، آداب الصلاة، ص ۳۰۳ - ۳۰۴؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۴۶.

۵. مجادله: ۷.

۶. حدید: ۳.

## ۱-۲. حضور علمی

صرف نظر از حضور وجودی، معنای دیگری که می‌توان برای حضور حق در تمام لایه‌های هستی تبیین کرد تا فهم و درک آن نیز ساده‌تر به نظر می‌رسد، حضور علمی مطلق الهی در برابر کل هستی است. ذره‌ای از عالم وجود نیست که از دایره گستره علم او بیرون باشد و او بر همه چیز آگاه است.

قرآن کریم توجه ویژه‌ای به مسئله حضور علمی خداوند متعال در برابر همه ذرات عالم دارد. خداوند نه تنها به امور آشکار و نمایان، بلکه به امور غیبی و نهان نیز علم دارد: «عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ»؛<sup>۱</sup> از این رو او چشم‌های خیانتکار و قصدهای نهان شده در سینه را می‌شناسد: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ»<sup>۲</sup> از منظر قرآن کریم «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا زَرْعٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»<sup>۳</sup> کلیدهای غیب فقط نزد اوست و کسی آنها را جز او نمی‌داند. و به آنچه در خشکی و دریاست، آگاه است و هیچ برگ‌ی نمی‌افتد مگر آنکه آن را می‌داند، و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتابی روشن [ثبت] است. بنابراین هیچ ذره و کمتر از ذره‌ای در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در وسعت علم الهی قرار دارد و از دایره معلومات او بیرون نخواهد بود: «عَالِمُ الْغَيْبِ لَا يَغْزِبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَ لَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ».<sup>۴</sup> کوتاه سخن اینکه هر آنچه می‌توان بر آن «شیء» گفت، داخل در دایره معلومات الهی است و علم بی‌نهایت او به تمامی اشیاء احاطه دارد: «أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا».<sup>۵</sup>

به روشنی پیداست آیات متعدد قرآنی که بر علم خدای متعال بر جزئیات عالم تأکید دارند، درصدد ایجاد تحولی عملی در ما هستند؛ تحولی که به زودی آن را تبیین خواهیم کرد. علم بی‌نهایت بر تمامی ذرات نظام هستی، از نظرگاه فلسفی، ریشه در حضور وجودی او در سرتاسر نظام هستی دارد. اساساً مقوله علم و دانستن چیزی جز حضور نیست؛ چنانچه جهل و

۱. انعام: ۷۳.

۲. غافر: ۱۹.

۳. انعام: ۵۹.

۴. سبأ: ۳.

۵. طلاق: ۱۲.

ندانستن نیز به غیبت بازگشت می‌کند. معلوم چیزی است که نزد عالم حاضر است و دقیقاً هنگامی که این حضور منتفی باشد، عالم از قله علم به دره جهل فرود آمده است؛ در نتیجه وقتی ذره‌ای از نظام هستی برای خدا متعال غایب نیست و وجود بی‌منتهای او به تمام نظام هستی احاطه قیومی و حضور وجودی دارد، تمامی ذرات عالم و هر آنچه بتوان به آن «شیء» گفت، معلوم الهی است و در دایره علم الهی جای دارد.

نام خدا مطلع هر گفتگو است	باعث روشن شدن یاد اوست
یاد خدایی که یقین ناظر است	در همه حال و همه جا حاضر است...
او همه جا ناظر اعمال توست	شاهد و بیننده احوال توست...
او همه ساعت به تماشای توست	منتظر دست تمنای توست

## ۲. پیامدها و آثار توجه به حضور خدا

دانستن اینکه خدای متعال در همه جا حاضر است، هنگامی به ثمر می‌نشیند که این باور در طول زندگی افراد حضور جدی داشته باشد و مورد غفلت قرار نگیرد. در چنین وضعیتی پژوهشگران این باور در اخلاقی‌زیستن انسان بسیار مؤثر است و آثار فراوانی دارد که در آیات قرآن کریم و روایات اسلامی مورد توجه قرار گرفته‌اند و در ادامه برخی از آنها تبیین خواهند شد.

### ۲-۱. خوف از خدای حاضر

خوف از خدای متعال یکی از صفات پسندیده بندگان خاص الهی است. پیامبر فرمود: «أعالي الناس منزلة عند الله أخوفهم منه»<sup>۱</sup> اهل خوف از نظر منزلت بالاترین افراد شمرده شده‌اند. خداوند می‌فرماید: «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ»<sup>۲</sup> کسانی که از مقام الهی خائف باشند، دو بهشت نصیب آن‌ها خواهد شد؛<sup>۳</sup> بهشتی که استحقاق آن را دارند و بهشتی مازاد که خدای متعال از سر فضل خود به آن‌ها می‌بخشد.

اما آیا خدای متعال که رحمت او بر غضبش سبقت دارد، ترس دارد؟! درحقیقت باطن این ترس شایسته، ترس از همان حضور وجودی و علمی او در همه ساحت‌های هستی است. وقتی

۱. حسن بن محمد دیلمی، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۳۷.

۲. رحمن: ۴۶.

۳. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۰.

او همه جا هست و هیچ ذره‌ای در عالم وجود از علم بی‌کران او بیرون نیست، چگونه می‌توان بدون ترس و بی‌مهابا از رفتارهای ناپسند و زشت دوری نکرد و پاکی و پاکیزگی پیشه نکرد؟! آری، درحقیقت این ترس نه ترس از خدای رحمان و رحیم، بلکه ترس از باطن اعمال ناشایست ماست که در محضر او سر می‌زند و تنها غفلت‌کنندگان از این حضور بی‌مهابا به رفتارهای ناشایست تن خواهند داد. قال الامام الحسین علیه السلام: «أُطْلِبَ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَ أَذْيِبَ مَا شِئْتُ»<sup>۱</sup> و باید از آنها پرسید: «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي؟»<sup>۲</sup> آیا انسان نمی‌داند که خدا می‌بیند؟».

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

يَا إِسْحَاقُ! خَفِيَ اللَّهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ فَإِنْ كُنْتَ تَتَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ بَرَزْتَ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ فَقَدْ جَعَلْتَهُ مِنْ أَهْوَنِ النَّاطِرِينَ عَلَيْكَ؛<sup>۳</sup>

از خدا به‌گونه‌ای بترس گویا تو او را می‌بینی و اگر تو او را نبینی، او تو را می‌بیند. اگر می‌پنداری که او تو را نمی‌بیند، کافر شده‌ای و اگر باور داری که او تو را می‌بیند، اما با این وجود آشکارا معصیت می‌کنی، پس او را از خوارترین نظرکنندگان شمرده‌ای.

پیداست که چنین خوفی تنها برای انسانی حاصل خواهد شد که ظرف وجودی او از سرچشمه دانش و حکمت بهره‌مند شده باشد و به‌طور خاص توجه عمیقی به مسئله «حضور» خدا داشته باشند. شاید به همین دلیل در برخی روایات، خوف از خدای عزوجل سرچشمه حکمت دانسته شده است؛ از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ».<sup>۴</sup>

لب کلام را می‌توان در جملات رسای مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت شنید: «کدام کلمه است که کار آدم را تا به آخر بسازد؟ آن کلمه همین است که بداننی [خدا] می‌بیند والسلام. [بدانی] در محضر او هستی، [بدانی حتی] خیالات تو را هم می‌بیند. تا اینجا محیط است به کل موجود. آن وقت [با این احساس حضور آیا] می‌شود اصلاً انسان دنبال معصیت برود؟ آیا می‌رود؟ پس اگر کسی بداند خداوند می‌داند و آن به آن همه موجودات امکانیه را می‌بیند، تکویناً

۱. محمد بن محمد شعیری، ص ۱۳۱.

۲. علق: ۱۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۸.

۴. محمد بن علی ابن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۶.

معصیت نمی‌کند»<sup>۱</sup>.

### حکایت مومنی که خداوند را ناظر بر اعمالش می‌بیند

جوانی از عالمی پرسید: من جوان هستم و نمی‌توانم خود را از نگاه به نامحرم منع کنم، چاره‌ام چیست؟

عالم نیز کوزه‌ای پر از شیر به او داد و به او توصیه کرد که کوزه را سالم به جایی ببرد و هیچ چیز از کوزه بیرون نریزد و از شخصی درخواست کرد او را همراهی کند و اگر شیر را ریخت جلوی همه مردم او را کتک بزند!

جوان کوزه را سالم به مقصد رساند و چیزی بیرون نریخت.

عالم از او پرسید: چند دختر سرراحت دیدی؟

جوان جواب داد: هیچ! فقط به فکر آن بودم که شیر را نریزم که مبادا در جلوی مردم کتک بخورم و خار و خفیف شوم.

عالم گفت: این حکایت مؤمنی است که همیشه خدا را ناظر بر کارهایش می‌بیند و از روز قیامت و حساب و کتابش که مبادا در منظر مردم خار و خفیف شود بیم دارد.<sup>۲</sup>

### ۲-۲. حیا و شرمساری

درک حضور خدای متعال نه تنها انسان را از انجام معصیت دور می‌کند، بلکه روح حیا و شرمساری را در او زنده نگاه می‌دارد. «شرم حضور» مرتبه‌ای بالاتر و کامل‌تر از «خوف معصیت» است. با خوف از معصیت، انسان تنها از رفتارهای گناه قطعی چشم‌پوشی می‌کند؛ اما با شرم حضور حتی از برخی حلال‌ها نیز چشم‌پوشی خواهد کرد و کمال مراقبت را در رفتارهای خود سرلوحه قرار می‌دهد. نقل شده است در منزل امام علی علیه السلام چند روز متوالی غذایی برای میل کردن نبود. وقتی امام علیه السلام از همسر خود پرسید: «چرا مرا باخبر نکردی تا چیزی مهیا کنم؟» از حضرت زهرا علیها السلام شنید: «إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إِيَّاهِ أَنْ تُكَلِّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ»<sup>۳</sup> من از خدای خویش حیا می‌کنم که تو را بر چیزی مکلف کنم که قدرت آن را نداری». پیداست که درخواست از همسر برای تهیه مایحتاج منزل عملی شرعاً حلال است؛ با این وجود

1. <https://bahjat.ir/fa/content/9412>.

2. <https://mohajabe.blog.ir/post/134>.

۳. فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۸۳.

مراقبت ویژه در اعمال و رفتار ایجاب می‌کند در شرایط فقر و تنگدستی همسر، حتی این مطالبات به‌حق نیز مطرح نشوند و موجبات شرمساری همسر فراهم نگردد. حضرت زهرا علیها السلام این مراقبت در عمل را در سایه شرم حضور خداوند متعال رقم زده است و پیداست که این شرمساری مرتبه‌ای بالاتر و کامل‌تر از صرف خوف از معصیت است.

به‌رحال درباره‌ی حیا - امری که ریشه آن مسئله درک حضور خداست - و اهمیت این امر در زیست اخلاقی انسان، روایات متعددی در میراث روایی به چشم می‌خورند. عصاره آموزه تمامی پیامبران الهی در این کلمه خلاصه شده است که: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَمْ يَبْقَ مِنْ أُمَّثَالِ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا قَوْلُ النَّاسِ إِذَا لَمْ تَسْتَحْيَ فَأَصْنَعْ مَا شِئْتُ؛<sup>۱</sup> اگر حیا نداری هر کاری خواهی کرد». درواقع بی‌حیایی و محرومیت از این صفت پسندیده، راه را برای هر خطایی می‌گشاید و متقابلاً بهره‌مندی از آن مسیر خیر و صلاح را باز می‌کند و مانند کلیدی در دست شخص برای بازکردن درب‌های بسته خیر و صلاح است.<sup>۲</sup> بر همین اساس با فقدان حیا، ایمان از سرزمین وجود انسان رخت برمی‌بندد: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ».<sup>۳</sup>

حیاداشتن آن روی سکه توجه به درک و حضور الهی در خلوت‌های آدمی است. گاهی کافی است حضور خدا را در حد حضور مؤمنین یا همسایگان خود باور داشته باشیم. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اسْتَحْيَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى اسْتِحْيَاءَ كَمِنْ صَالِحِي جِيرَانِكَ»؛<sup>۴</sup> آن‌گاه حتی در خلوت‌های خود به سمت خلاف میل نخواهیم کرد<sup>۵</sup> و «ادب حضور» را همواره مراعات خواهیم کرد.

بیشتر افراد برای انجام خطا به دنبال مکانی خلوت و دور از چشم دیگران هستند تا کسی آنان را نبیند و آبرویشان حفظ شود؛ درحالی‌که خدا را فراموش می‌کنند و تصورشان این است که خدا ناظر بر اعمال و رفتارشان نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ».<sup>۶</sup> «فاء» در این روایت شریف، بیان‌کننده علت کلام سابق است

۱. محمد بن علی ابن بابویه، آمالی، ص ۵۱۰.

۲. قال علی علیه السلام: «الْحَيَاءُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ» (آمدی، غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ص ۳۰).

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۴. منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۶۳.

۵. قال الامام الكاظم علیه السلام: «اسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ فِي سَرَائِرِكُمْ كَمَا تَسْتَحْيُونَ مِنَ النَّاسِ فِي عَلَانِيَتِكُمْ» (حسن بن علی

ابن‌شعبه، تحف العقول، ص ۳۹۴).

۶. شریف الرضی، نهج البلاغة، ص ۵۳۲.



و باید آن را «زیرا» ترجمه کرد؛ بر این اساس باید از معصیت در خلوت پرهیز کرد؛ زیرا همان کسی که در این خلوت شاهد رفتار ماست، در قیامت به قضاوت خواهد نشست و در خصوص این رفتار حکم خواهد کرد. قاضی‌های دنیایی خود شاهد جنایت نیستند و دیگران را شاهد می‌طلبند؛ اما قاضی آخرت خود خداوند متعال است که به دلیل حضور وجودی و علمی بر همه عالم، شاهد بر کل اعمال ما نیز می‌باشد. به راستی باورداشتن به چنین خدای شاهدهی در خلوت‌ها، تأثیر شگفتی در اصلاح رفتار افراد خواهد داشت.

### ۳-۲. استقامت در مسیر بلا

دنیا دار بلا و مکانی است که در سختی و مشقت پیچ خورده است. امام علی علیه السلام فرمود: «دَارُ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ»؛ سختی و آزمایش با ذره‌ذره آن عجین شده است. حال کسانی که در این دار بلا باور به حضور خدا ندارند، حال آن شخصی است که در مثل در بیابان از دست شیری فرار می‌کرد و به چاهی پناه برد. از طناب چاه آویزان شد و داخل رفت. شیر بالای چاه رسید و منتظر او بود و راه برگشت نداشت. پایین رفت، اما بیچاره دید در پایین چاه اژدهایی دهان گشوده است تا او را بلعد. در همین حال موشی سیاه و موشی سفید نیز از دیواره چاه بیرون آمدند و شروع به جویدن طناب کردند. در این حال دید در دیواره چاه کندوی عسلی است. دست برد تا از آن بخورد که زنبورها بیرون آمدند و او را نیش زدند. این مثل، حقیقت زندگی دنیا طلب غافل از حضور خداست. شیر در این مثال، مرگ است که به دنبال انسان است؛ اژدها همان قبر است که سقوط در آن حتمی است؛ موش سیاه و سفید شب و روز هستند و طناب، عمر ماست که همواره با گذر شب و روز به نقطه پایان نزدیک می‌شود. عسل همان خوشی‌های دنیا و زنبورها درد و رنج‌هایی هستند که رفیق دائمی خوشی‌های دنیا هستند و پیداست که بهره‌مندی از این خوشی‌ها، هرگز بدون درد و رنج نیست و اصلاً در دنیا خوشی و راحتی که همراه با آن ناخوشی و سختی نباشد، وجود ندارد. اگر حقیقتاً مثل زندگی پر از درد و رنج انسان این است، پس او چگونه می‌تواند در این دار پر از بلا به آرامش برسد؟

پاسخ این سؤال در رمز «درک حضور خدا» نهفته است. تنها با یاد خدا و باور به حضور و حمایت همیشگی اوست که دل آرام می‌گیرد و این سختی‌ها در چشم انسان رنگ می‌بازد. نقل شده است هنگامی که یوسف در چاه افتاد، با برادران خود سخن گفت و جملاتی از سختی‌هایی

که در قعر چاه داشت، با آنها بازگو کرد. جبرئیل بر او نازل شد و او را از ادامه این سخنان منع و به دعاکردن با این جملات ترغیب کرد: «ای خدایی که در هر بلایی حاضر هستی و هر تنهایی را مونس و هر غریبی را همراهی می کنی و بر هر سخن سزای شاهد هستی...»<sup>۱</sup>. این جملات حضور و احاطه خدا را به یاد یوسف آورد و همین امر سبب نزول آرامش بر او شد. آری، در چاه دنیا چاره‌ای جز باور به حضور خدا و رسیدن به حس خوب آرامش در پس این باور وجود ندارد و هر راه دیگری برای رسیدن به آرامش واقعی، بی‌راهه است.

### کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، أمالی، تصحیح: محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۲. \_\_\_\_\_، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۳. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات، محمدحسن ابوطالب کرمانی، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامی، [بی تا].
۶. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم، تصحیح: سیدمهدی رجایی، قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۵ ق.
۸. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۹. شجریان، مهدی، اصول و مبانی عدالت جنسیتی در حکمت متعالیه، قم: دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۹۹ ش.

---

۱. «یا حاضر کل بلوی، و یا مؤنس کل وحید، و یا صاحب کل غریب، و یا شاهد کل نجوی...» (هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۵۸ - ۱۶۰).

۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تحقیق: عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران: بنیاد نهج البلاغة، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف اشرف: المطبعة الحیدریة، [بی تا].
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۵۲ ش.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهدج، بیروت: المكتبة الاسلامیة للنشر و التوزیع، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الأمين، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳.
۱۶. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰.
۱۷. منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ ق.
۱۸. موسوی خمینی، سیدروح الله، آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. \_\_\_\_\_، شرح چهل حدیث، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.